



سرمقاله

مراکز اطلاعات داروئی ضرورت یا تفنن؟

مطالعه نکرده‌اند و کم و بیش منابعی را در دسترس دارند، اما با کمال تأسف چنین امکان و حوصله‌ای برای عده‌ای فراهم نیست. گروه اخیر هستند که بیشتر نیاز به کسب اطلاعات را احساس می‌کنند. در گذشته ویزیتورها، رابط

بدون تردید برای بسیاری از همکاران داروساز یا پزشک وضعیت پیش آمده که نیاز به کسب اطلاعاتی موثق از منابعی معتبر را احساس نموده‌اند. هستند همکارانی که علیرغم گذشت سالها از فارغ‌التحصیل شدنشان، هنوز ترك

پزشک و کمپانی داروئی بودند و اطلاعات جهتگیری شده را (به نفع کمپانی خودشان) هم آنان در اختیار پزشک یا داروساز قرار میدادند، هرچند برای موارد ضروری معلوم نبود که بتوان آنها را در دسترس داشت. از سوی دیگر در مواردی بروز یک عارضه بر اثر مصرف داروئی می تواند زنگ خطری برای سایر مصرف کنندگان آن دارو باشد. پزشک یا داروسازی که با چنین مواردی برخورد میکند چگونه و به کجا توسل جوید و... از همه اینها گذشته با سیاستی که بر سیستم توزیع متمرکز حاکم است، داروهای تخصصی تنها در مراکز خاص و شرایطی ویژه عرضه میشوند، پزشک چگونه این مسئله را در یابد؟

قاعدتاً حلقه مفقوده در این میان باید مرکزی باشد که دریافت کننده این اطلاعات و نیز ناقل آن باشد. مرکز اطلاعات داروئی باید کتابخانه ای مجهز، شبکه اطلاع رسانی منظم و کادری آگاه و علاقمند داشته باشد. چند سال قبل و در پاسخ به نیاز فوق دفتری با امکاناتی اندک و تنی چند علاقمند به کار در اداره کل امور دارو تشکیل شد، و علیرغم ضعف ارتباطات و کمبود امکانات به تدریج جایگاهی ویژه یافت و مرکزی برای پاسخگویی به سئوالات علمی کادر درمانی و احیاناً راهنمایی بیماران شد. اما به دلایلی توانائی اولین «مرکز اطلاعات داروئی کشور» روبه افول نهاد. برای پر کردن آن فضای خالی، از داروخانه های دانشکده داروسازی با عنوان مراکز اطلاعات داروئی، چنان وظیفه ای خواسته شد خواستی که برآورد

کردن آن عملاً در تراکم بیش از حد بیماران و مسئولیتهای نسخه پیچی تدریجاً کمرنگ شد. اما نیاز به چنان اطلاعاتی نه تنها کاستی نپذیرفت که افزون شد. در ماههای گذشته بصورت مقدماتی طرح احیاء این مراکز برای پاسخگویی به نیازهایی که برشمریم در دستور کار قرار گرفت، که البته افقی گسترده را آماج گرفته بود، تا تهران و مراکز استان از طریق این شبکه های اطلاع رسانی بهم متصل شوند و آماده دریافت و انتشار اطلاعات گردند. پیشنهادات زیر در خواستی اولیه برای بازگشایی آن مراکز است:

۱- وزارت بهداشت و مقام معاونت داروئی در صورت صلاح دید طرح را مورد حمایت قرار دهند.

۲- دانشگاه های علوم پزشکی وظیفه راهبری این مراکز را بپذیرند.

۳- مراکز توزیع کننده دارو، بودجه، مکان مناسب، امکانات ارتباطی، کتابخانه مجهز، کامپیوتر با برنامه های خاص اطلاعات داروئی و... را تقبل نمایند.

۴- کادری نسخه از دانشگایان و متخصصین داروسازی و داروشناسی در کنار دانشجویان برجسته و علاقمندان ارائه سرویس علمی را تدارک ببینند. حتی میشود چنین مطرح کرد که دانشجویان سالهای آخر دانشکده داروسازی موظف شوند بخشی از واحد کارآموزی خود را در مراکز اطلاعات داروئی بگذرانند.

۵- سئوالات اعم از تلفنی یا کتبی مقدماً

در کارتهائی ویژه درج و بوسیله گروه مسئول پاسخ مناسب با ذکر مشخصات مرجع مورد استفاده فراهم شود تا مجدداً بصورت تلفنی یا پستی به آگاهی سئوال کننده رسانیده شود. سرپرست گروه با بررسی پیوسته سئوالات بخش‌های مشترك و مورد سئوال افراد بیشتری را انتخاب و بصورت بولتنی مستقل یا صفحه‌ای ویژه در یکی از ماهنامه‌های مربوطه به اطلاع جامعه پزشکی برساند.

۶- پزشکان، داروسازان و سایر دست‌اندرکاران امر بهداشت و درمان کشور مشاهدات و موارد بروز يك عارضه جانبی، اشکال در بسته‌بندی دارو، تغییر شکل یافتن دارو بر اثر نور و گرما و... را به این مراکز اطلاع دهند تا پس از رسیدگی و جمع‌بندی به اطلاع مقامات تصمیم‌گیر رسانیده شود.

۷- در مراکز استان نیز مراکزی مشابه با همان کیفیت و امکانات تدارك گردد و به نحو مناسبی (تلفنی، پستی و...) به یکدیگر اتصال یابند. این سنگ اول بنای شبکه اطلاعات داروئی کشور خواهد بود.

۸- این مراکز در روند تکاملی خود گذشته از اطلاع‌رسانی و خبرگیری، مسئول برگزاری سمینارهای محلی در مورد مسائل دارو - درمانی گشته، بازآموزی کادر پزشکی منطقه با برنامه‌ریزی خود و با استفاده از نیروهای بومی را نیز عهده‌دار گردد.

۹- کتابخانه و سالن مطالعه چنان مراکزی پاسخگوی نیازهای علمی علاقمندان اعم از کادرها و یا دانشجویان رشته‌های

داروسازی - پزشکی خواهند بود. خلاصه اینکه: بایستی در گام نخست ضرورت انجام این مهم را احساس کنیم، و بعد در هر منطقه، همت والای داروسازان علاقمند را به یاری طلبیم. مطمئناً مقامات مسئول با همه توانشان از این طرح پشتیبانی خواهند نمود. برای آغاز این راهپیمائی علمی شاید «آذری‌ها» پیشقدم شوند یا «شیرازیها»، اگر «کرمانی» یا «همدانی» هم باشند فرقی نخواهد کرد مهم به راه افتادن است، راه که افتادی: «خود راه بگویدت که چون باید رفت».

دکتر فرشاد روشن ضمیر